

# فلاشات

ویژه‌نامه سفر و گردشگری | جام‌جام | سه‌شنبه ۹۲/۸/۲۸ | شماره ۱۲۴

Travel & Tourism | JameJam | [chamedan@jamejamonline.ir](mailto:chamedan@jamejamonline.ir) | No:124

## یوز ایرانی در راه جام جهانی

تیم ملی فوتبال با پیراهنی  
که تصویر یوز ایرانی دارد  
به جام جهانی می‌رود

صفحه ۷

## درنگ

### سفر، کتاب ندارد

این روزها در میانه هفته کتاب و کتابخوانی قرار داریم. نقش کتاب در گسترش صنعت گردشگری برای بسیاری اثبات شده است، اما متولیان صنعت گردشگری کشور به این بخش توجه نمی‌کنند به طوری که تعداد کتاب‌های منتشر شده در این حوزه از ابتدای سال ۹۱ تا پایان شهریور ۹۲ فقط ۱۲۱ عنوان است. جالب این که بیشتر این تعداد هم تخصصی و قابل استفاده برای دانشجویان این رشته است.

این تعداد کتاب با توجه به جاذبه‌های فرهنگی، طبیعی و انسان ساخت بی‌شماری که در ایران وجود دارد بسیار اندک و ناچیز است و نه پاسخگوی نیاز گردشگران خارجی کشور است و نه گردشگران داخلی.

سال ۱۹۶۴ از سوی سازمان ملل و براساس پیشنهاد کنفرانس بین‌المللی ترانسپورت و جهانگردی آن سازمان در رم تعریفی برای جهانگردی به تصویب رسید. «فرآیندی که شخص یا گروهی به منظور تفریح، بازدید از نقاط دیدنی، معالجه، مطالعه، تجارت، ورزش یا زیارت به کشوری غیر از کشوری که در آن اقامت دارند، سفر کنند، مشروط بر این که حداقل مدت اقامت آنها از ۲۴ ساعت کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد و در فاصله‌ای کمتر از ۷۰ کیلومتر صورت نگیرد.» این تعریفی است که برای واژه جهانگردی به تصویب رسیده است.

امروزه گردشگری یکی از بهترین راه‌ها برای تبادل فرهنگی میان سرزمین‌های مختلف است. گردشگرانی که به ایران می‌آیند، می‌توانند با فرهنگ و هنر و آداب و رسوم ایران زمین آشنا شوند و به این ترتیب مبلغان خوبی برای معرفی این سرزمین به مردمان کشور خود باشند. چنانچه تاکنون نیز چنین بوده است و سیاحان و گردشگرانی که در طول تاریخ به ایران سفر کرده‌اند از خود سفرنامه‌هایی بر جای گذاشته‌اند و فرهنگ و هنر و تاریخ این سرزمین کهن را برای جهانیان بازگو کرده و به صورت میراث مکتوب به یادگار گذاشته‌اند. یکی از مشکلات اساسی صنعت گردشگری ایران، کمبود کتاب‌هایی با موضوع گردشگری و معرفی داشته‌های فرهنگی و طبیعی کشور در گام نخست برای مخاطب داخلی و در مرحله بعد برای مخاطبان و گردشگران خارجی است که علاقه‌مند به ایران و داشتن اطلاعات از این سرزمین کهن است.

کمبود کتاب در حوزه گردشگری می‌تواند چند دلیل داشته باشد. یکی این که ناشران از این نوع کتاب‌ها استقبال نمی‌کنند و به دلیل هزینه‌های بالای چاپ کتاب نگران بازار فروش آن هستند و همچنین خود مردم به دلیل قیمت بالای کتاب‌های گردشگری این قبیل آثار را نمی‌خرند. دلیل دیگر این که نویسندگان این حوزه به دلیل عدم استقبال عمومی از آثارشان انگیزه‌ای برای تالیف این نوع کتاب‌ها ندارند.

سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از مهم‌ترین ارگان‌هایی هستند که می‌توانند این موانع را از پیشروی نویسندگان و ناشران این حوزه بردارند و با تخصیص بودجه به این بخش امکان چاپ کتاب‌های حوزه گردشگری را با شمارگان بالا و قیمت مناسب فراهم کنند تا هم عموم مردم توانایی خرید آن را داشته باشند، هم ناشران این بخش سود کافی ببرند و هم نویسندگانی که حمایت سازمان متولی را می‌بینند به سمت تالیف کتاب‌های پربارتر در حوزه گردشگری بروند.

## بنا

به دست‌های تو ایمان دارم  
حتی اگر بینم  
ناکوک‌ترین سازها را می‌نوازی  
تو  
با همین دست‌ها  
با همین خیال کودکانه‌ات  
نبض حیات را می‌گیری  
و ضربان زمین را تنظیم می‌کنی.



## یادداشت

### شهری سوخته، میراثی زنده

■ علی محزون

درباره اهمیت ثبت جهانی سازه‌های تاریخی بسیار گفته‌اند. این که ثبت این آثار خارج از بودجه‌هایی که برای احیا و نگهداری اش سرازیر می‌کند باعث شهرت جهانی اش می‌شود و به تمام کاتالوگ‌های گردشگری جهان راه می‌یابد تا بهانه دیگری باشد برای علاقه‌مندان به دیدنش. از لزوم حفظ این آثار هم گفته‌ایم، این که نگهداری این آثار پس از ثبت خیلی مهم‌تر از تلاش برای به ثبت رسیدنشان است. اتفاقات و حرف‌هایی که درباره کاخ گلستان بتازگی مطرح شده است ناشی از اهمیت این موضوع است.

حالا شهر سوخته سیستان و بلوچستان هم به عنوان هدف همین اثر ثبت جهانی شده ایران نامزد است تا در جلسه آینده شورای ثبت جهانی به مشورت گذاشته شود. اتفاقی که اگر بیفتد فارغ از تمام محاسنی که برای گردشگری ایران دارد می‌تواند به گردشگری این استان رونق دهد و تاثیر زیادی در شیوه زندگانی بسیاری از مردمان آن داشته باشد.

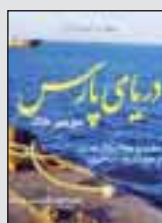
شهر سوخته شهر اولین‌هاست، اولین تخته نرد دنیا در آنجا پیدا شده، خاستگاه اولین انیمیشن دنیا، اولین چشم مصنوعی در جهان، کهن‌ترین جراحی مغز و...  
اما شهر سوخته کجاست؟ این مردم موفق و دانا چه کسانی بودند؟ اینان چرا و چگونه همگی یک‌شب در آتش سوختند؟ مردم شهر سوخته در ۳۰۰۰ سال پیش چگونه به این همه علم و پیشرفت رسیده بودند؟

اینها پرسش‌هایی است که باستان‌شناسان طی سال‌ها تحقیق هنوز به پاسخ‌های آنها نرسیده‌اند و نمی‌دانند مردم این شهر عظیم و مدرن و پیشرفته در ۳۰۰۰ سال پیش از کجا آمده بودند و چگونه به این همه علم و دانش رسیده بودند و چگونه طی یک شب همگی در آتش سوختند و نابود شدند.

همین پرسش‌هاست که کارشناسان یونسکو را بر آن داشته تا از این سازه شگفت دیدن کنند و برای حفظش آن را در فهرست ثبت جهانی قرار دهند. شاید ثبت این اثر در یونسکو بار دیگر این پرسش‌ها را برای دوستداران میراث مطرح کند و باز هم این سازه عجیب نقل محافل شود و شاید پاسخی برای این پرسش‌ها پیدا شود.

## پیشنخوان

### دریای پارس



اگر شما به هر دلیلی نمی‌توانید جنوب ایران را ببینید یا اگر اهل سفرنامه‌خوانی هستید و به دنبال سفرنامه‌ای می‌گردید که هم دقیق نوشته باشد و هم نقشه سفر داشته باشد و هم خوش‌خوان و روان باشد و هم نویسنده سراغ منابع مختلف رفته باشد و هم حال و هوای عکاس و نویسنده آن در طول سفر و در مواجهه با پدیده‌های مختلف بیان شده باشد، حتما سراغ کتاب «دریای پارس» نوشته منوچهر طیاب همراه با عکس‌های او و اسعد نقش‌بندی از انتشارات کتاب خورشید بروید. این کتاب که سال گذشته به ویتترین کتابفروشی‌ها راه یافت به فارسی و انگلیسی چاپ شده است.

## دور دنیا

### تاکسی‌های گردشگری به کاشان می‌رسد

سرپرست اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان کاشان می‌گوید طرح تاکسی‌های گردشگری برای نخستین بار در این شهرستان اجرامی شود. به گفته حسین یزدانمهر، افزایش ماندگاری و اقامت مسافران و ایجاد تعامل بیشتر بین تاسیسات گردشگری در بخش‌های اقامتی و خدماتی از جمله اهداف اجرای این طرح است. وی با تاکید بر موقعیت خاص گردشگری شهرستان کاشان، از نظر جاذبه‌های گردشگری و نیز حجم بالای گردشگران مقیم در مراکز اقامتی و پذیرایی این منطقه و در نتیجه تقاضای آنها خصوصا گردشگران خارجی برای بازدید مناطق مختلف این شهرستان، ایجاد موسسه‌ای با موضوع تاکسی گردشگری را ضروری دانست. // ایسنا



### سد داریوش؛ پناهگاه معتادان

سد داریوش هخامنشی (سنگ دختران) که سال ۸۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید شرایط مناسبی ندارد. این اثر تاریخی هم‌اکنون به زباله‌دانی و پناهگاه معتادان تبدیل شده است. این اثر تاریخی مهم در بخش درودزن شهرستان مرودشت واقع شده است. طبق اطلاعات و تصاویر موجود، برکه، نیزارها، تاق چشمه و حجره‌های این بناهای تاریخی به جای آن که جاذبه‌ای برای گردشگران محسوب شود به مکان امن معتادان تبدیل شده است. فعالان میراث فرهنگی از مدیران و مسئولان سازمان میراث فرهنگی انتظار دارند نسبت به حفاظت از این آثار تاریخی تلاش بیشتری داشته باشند، چرا که با تجمع زباله در پیرامون بنا و رودخانه، حجم بالای یادگاری نویسی در بدنه پل‌ها و فرو ریختن پایه‌های پل‌ها از سال‌های گذشته، این آثار را رو به ویرانی قرار داده است. // میراث

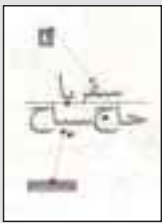


### کشف تخت جمشیدی دیگر!

نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی که در میانه زاگرس میانی، در شهر ایزده واقع در خوزستان آغاز شده بود، اعلام می‌شود. این کاوش‌ها، در محوطه «کله چندار» شمی انجام گرفته که به کشف ساختارهای معماری نیایشگاهی منجر شده است. هیات مشترک باستان‌شناسی ایرانی-ایتالیایی در آخرین کاوش‌ها در جایی که ۷۷ سال پیش تندیس فرغین مرد شمی کشف شده بود، ساختارهای معماری نیایشگاهی بزرگی را کشف کردند. این نیایشگاه اسرار بسیاری از باورهای آیینی مردم الیمایی را بازگو می‌کند. به دلیل کشف صدف و سکوهای بزرگ در این محوطه آیینی، باستان‌شناسان آن را تخت جمشیدی از دوره الیمایی می‌نامند. // میراث



### سفر با حاج سیاح



احسان نوروزی در این سفرنامه از وین و بوداپست و براتیسلاوا و پراگ و برلین و آمستردام و پاریس و بارسلون و رم و توسکانی نوشته است و در مقدمه کتابش می‌گوید: دستاورد سفر اروپا برایم پیش و بیش از هر چیز شناخت ایران و تهران بود. زیرا معتقد است که خروج از یک وضع نه تنها این امکان را می‌دهد که بتوانی از بیرون بدان بنگری، بلکه می‌تواند، برعکس، شرایط جدید را دوباره از منظر پیشین بکاود. هر جای کتاب را که باز کنی هم با نوروزی همراه می‌شوی و هم با حاج سیاح که دائم نوروزی آن روز خودش را در سفر با حاج سیاح مقایسه کرده است. این کتاب هم سال گذشته توسط انتشارات افق منتشر شد.

## دوچرخه‌سواری بدون محدودیت

سفر دور دنیا با یک کوله، این روزها بسیار مورد استقبال جوانان ماجراجو واقع شده است. برخی از این یک‌پکرها برای تسهیل سفر خود و استفاده هر چه کمتر از وسایل عمومی گردشگران، اقدام به نوآوری‌های جالبی کرده‌اند. یکی از این کوله به دوش‌ها، «بودا شیلر» است که با دوچرخه خود به سفر می‌رود. شیلر با ابداع یک وسیله جدید توانسته، دوچرخه‌اش را در عرض چند دقیقه به قایق بدل کند و به آسانی روی آب پدال بزند. این گردشگر خلاق نخستین بار به دلیل ترافیک‌های سنگین شهری، تصمیم گرفت با دوچرخه به سفر رود. او می‌گوید که سفر با دوچرخه امکان تردد در مسیرهای خلوت کنار بزرگراه‌ها و حتی عبور از کانال‌ها را برایش فراهم می‌کند، اما عبور از رودخانه با دوچرخه امکان‌پذیر نبوده؛ به همین دلیل شیلر به منظور تسهیل سفرهای شخصی خود وسیله‌ای کوچک را اختراع کرده که با راحتی در یک کوله جمع می‌شود. شیلر با رسیدن به مسیرهای آبی در کوتاه‌ترین زمان، دوچرخه‌ای آبی را سرهم می‌کند و با آسودگی طول مسیرهای آبی را رکاب می‌زند. ابداع این وسیله جالب می‌تواند با تولید انبوه، سفرهای یک‌پکرهای بسیاری را در سراسر جهان تسهیل کند. استفاده از این وسیله همچنین می‌تواند در حمل‌ونقل‌های شهری که در کنار رودخانه‌ها و مسیرهای آبی شکل گرفته‌اند نیز موثر باشد.



## هتل‌های حبابی در دل طبیعت

چادر زدن و شب‌مانی در طبیعت، از امور مورد علاقه بسیاری گردشگران است. این گردشگران دوست دارند چند روزی را به دور از هیاهوی شهری و زندگی مدرن بگذرانند. اما چادر هم مصائب و مشکلاتی دارد که مهم‌ترین آنها نامطمئن بودن در شرایط آب و هوایی، ایمن نبودن در مقابل حمله حیوانات وحشی و کوچکی و فضای کم آن است. شرکت ریوس اترپ در فرانسه، در ابداعی جالب، اقدام به ساخت هتل‌های حبابی در دل طبیعت کرده است. این اتاقک‌های حبابی که از جنس پلاستیک و با قطری سه متری ساخته شده‌اند، سبک وزن و قابل حمل بوده و کمترین آسیب را به محیط‌های طبیعی وارد می‌کنند. اکنون تعدادی از این اقامتگاه‌های حبابی در نزدیک ماری فرانسه استقرار یافته‌اند. این اتاقک‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند، که علاوه بر چهار فصل بودن، گردشگران را در مقابل حمله جانوران و سم‌های حاصل از برخی گونه‌های گیاهی، مصون می‌دارند. در هر یک از این اتاقک‌ها یک تخت دو نفره، میز و صندلی، کمد لباس (مخصوص کفش و لباس‌های گلی و خیس) و ملزومات شب‌چون روشنایی وجود دارد. این حباب‌ها به دو نیم تقسیم شده‌اند، نیمه پایینی آنها برای حفظ حریم خصوصی با رنگ سفید پوشانده شده، اما نیمه بالایی برای بهره بردن مسافران از آسمان، شبیه شیشه است. در اطراف این اتاقک‌های حبابی، فضای ورزشی، رستوران و اتاق مدیریت برای پاسخگویی به نیازهای مهمانان تعبیه شده است.



# عطر سفر، بوی راه

نگاهی به چند موضوع جالب گردشگری در جهان

### آذر کمانی

سفر، رویداد شیرین زندگی هر انسانی می‌تواند باشد؛ رویدادی که حالا مولد یکی از بزرگ‌ترین صنایع‌های بدون دود جهان است. صنعت گردشگری که با سرعتی خیره‌کننده در حال گسترش است، می‌کوشد از هر موضوعی در هر حوزه‌ای، بهانه‌ای برای گسترش خویش پیدا کند. این صنعت پویا هر روز و هر لحظه چیزی جدید به گردشگران ارائه می‌کند. در این راه صنعت‌های وابسته به گردشگری و حتی خود گردشگران نیز نوآوری‌هایی برای رونق هر چه بیشتر این صنعت ابداع می‌کنند که جالب توجه است.

## تورهای آموزشی استرالیا

این روزها استرالیا بهاری دل‌انگیز را تجربه می‌کند. شهر سیدنی برای کسانی که علاقه‌مند یادگیری چیزهای جدید هستند، یکی از بهترین مقاصد گردشگری محسوب می‌شود. تورهای آموزشی سیدنی علاوه بر آن که بسیار متنوع و در حوزه‌های مختلفی چون ورزش، هنر و مهارت‌های کاری است، در رده‌های سنی مختلف برگزار می‌شود. مهم‌ترین گروه‌های شرکت‌کننده در این تورها کودکان و نوجوانان هستند. این تورها بسیار هوشمندانه در طول سفری خاطره‌انگیز، به شیوه عملی و پرتیک به آموزش کودکان و نوجوانان می‌پردازند.

کیفیت کارگاه‌های آموزشی کوتاه‌مدت سیدنی به حدی است که برخی افراد ماهر در یک رشته برای بهره‌گیری از دوره‌های پیشرفته و مستر به استرالیا سفر می‌کنند. آموزش انواع هنرها نظیر نقاشی، شعر، مجسمه و... در گالری کودکان سیدنی، مرکز عکاسی سیدنی به‌منظور دوره‌های عکاسی، آموزش حرکات نمایشی در سیرک سیدنی، آشنایی با انواع بیماری‌های انسانی و همچنین دوره‌های متفاوتی چون جواهرسازی، آشپزی ایتالیایی و آموزش بازی بومرنگ از جمله تورهای آموزشی برای گردشگران است. آموزش اسب‌سواری در پارک مور و آموزش گلف به همراه مربی و برنامه‌ای از پیش تعیین شده نیز از دیگر تورهای آموزشی سیدنی است که تورهایی تجمیلی و شیک محسوب می‌شوند.



## بازگشایی پارک موضوعی شهر اُز

شهر اُز و ماجراهای دوروتی و توتو، در خاطرات کودکی بسیاری از ما نقش بسته است. مسیر زردرنگ ترسناک این شهر به همراه جادوگر شهر اُز برای مدت‌ها همچون کابوسی در زندگی بسیاری از کودکان حضور داشت. پارک موضوعی شهر اُز برای ساخت فیلم جادوگر شهر اُز سال ۱۹۳۸ میلادی، بر بالای تپه‌های کوه راش در غرب ایالت کارولینای شمالی آمریکا ساخته شد. این پارک برای نخستین بار سال ۱۹۷۰ به روی بازدیدکنندگان مشتاق گشوده شد و در روز افتتاح توانست رکورد ۲۰ هزار بازدیدکننده در یک روز را به دست آورد. این پارک پنج سال پس از افتتاح عمومی بر اثر آتش‌سوزی، بسته شد.



در تمام این سال‌ها پارک موضوعی شهر اُز رها شده بود که این مساله سبب تخریب برخی از بخش‌های آن و سرقت بسیاری از نمادهای فیلم مشهور جادوگر شهر اُز شد. این مکان سرانجام سال ۱۹۹۰ مرمت و بازسازی شد و از آن سال در طول پاییز در رویدادی به نام «شهر اُز در پاییز» به مدت دو روز به روی بازدیدکنندگان گشوده می‌شود. گردشگران علاقه‌مند می‌توانند در بازدید از پارک موضوعی شهر اُز، نوستالژی‌های دوران کودکی خود را مرور کنند. عواید حاصل از این بازدید دو روزه برای نگهداری این پارک هزینه می‌شود.

## جنگل ناشناخته - هند

جزیره نگهبان شمالی یکی از جزیره‌های موجود در خلیج بنگال است. این جزیره یکی از منحصربه‌فردترین جنگل‌های جهان را دارد. به جهت احاطه شدن این جزیره با صخره‌های مرجانی، انگلیسی‌ها هرگز نتوانستند به جنگل جزیره نگهبان شمالی دست درازی کرده و حتی یک درخت از آن را قطع کنند. این جنگل با وسعتی ۷۲ کیلومترمربعی، یکی از قدیمی‌ترین پوشش‌های گیاهی جهان را داراست که بسیار متراکم



نیز هست. به دلیل انزوای این جزیره، از عصر نوسنگی تاکنون قبیله‌ای به نام سنتینلیس در آن زندگی می‌کنند که به نگهبانان جزیره مشهور هستند. علت نامگذاری این جزیره به نگهبان نیز همین قبیله منزوی است. تعداد افراد این قبیله بین ۵۰ تا ۴۰۰ نفر برآورد می‌شود؛ اما هنوز هم حضور در جنگلی که در انحصار قبیله‌ای ناشناخته است، کمی ترسناک و پرمخاطره به نظر می‌رسد.

# شگفتی درخت‌ها

## نگاهی به عجیب‌ترین جنگل‌های جهان

■ آیساسدی

زمانی جنگل، ۵۰ درصد از سطح کره زمین را پوشانده بود. امروز گرچه این میزان فقط ۹/۵ درصد است، اما جنگل‌ها هنوز هم محیطی سرشار از ناشناخته‌ها و رویدادهای هیجان‌انگیز هستند. بیشتر افراد با شنیدن نام جنگل محیطی پر درخت را تصور می‌کنند؛ در حالی که اکوسیستم جنگل چیزی فراتر از درخت‌های آن است و هویتش با بسیاری از گونه‌های دیگری چون گیاهان کوچک‌تر، قارچ‌ها، باکتری‌ها، حشرات، حیوانات و عوامل مختلف دیگری که در چرخه جریان انرژی و تامین مواد مغذی حضور دارند، معنا پیدا می‌کند. انسان‌های کمی در جهان تجربه جنگل‌نوردی را دارند. گرچه تقریباً همه در مستندهای تلویزیونی با مناطق جنگلی بکر و گاهی خطرناک آشنا شده‌اند، اما حضور در محیط واقعی جنگل تجربه منحصربه‌فردی است که در بسیاری از مناطق جنگلی در رده گردشگری ماجراجویانه قرار می‌گیرد. در اینجا نگاهی داریم به عجیب‌ترین مناطق جنگلی که در جهان وجود دارد.

## جنگل آردن - بلژیک، لوکزامبورگ و فرانسه



آردن جنگل بزرگی است که بخش‌هایی از بلژیک، فرانسه و لوکزامبورگ را پوشش می‌دهد. این جنگل بسیار ناهموار است و پوشش گیاهی متراکمی دارد و دارای منابع غنی چوب، مواد معدنی و حیات وحش بی‌نظیری است. اما آنچه آردن را در میان جنگل‌های عجیب جهان قرار داده است، معروف بودن آن به «وحشی‌بازی» است. این جنگل در منطقه استراتژیکی از اروپا قرار دارد و طی جنگ‌های تاریخی بسیاری به عنوان محل نبرد مورد استفاده قرار گرفته است. مهم‌ترین این جنگ‌ها، دو جنگ جهانی اول و دوم است که در طول آنها آلمان از طریق آردن به فرانسه حمله کرد. جنگل آردن طی حیات خود، جدال‌های مرگباری را تجربه و خون‌های بسیاری را بر خاک خود لمس کرده است.

## تریلامار کا رولاج فیجل - نروژ

شاید نخستین چیز عجیب درباره جنگل «تریلامار کا رولاج فیجل»، نام آن باشد که حتی تلفظ او هم به تکرار و تمرین نیاز دارد. این جنگل با وسعت ۱۴۷ کیلومتر مربع، در بوسکراد نروژ قرار دارد. جنگل تریلامار کا باستانی‌ترین جنگل در شمال اروپاست.



بیش از ۹۳ گونه در معرض خطر انقراض که در فهرست قرمز قرار دارند، در این جنگل به آسودگی زندگی می‌کنند، اما این جنگل عجیب تنها پناهگاه جانوران در حال انقراض نیست؛ بلکه تعداد قابل توجهی از خزها، قارچ‌ها و گل‌سنگ‌های در معرض خطر نیز به آسودگی در این جنگل‌ها رشد می‌کنند. جمع شدن این تعداد از گونه‌های در معرض خطر در یک منطقه و داشتن تعداد نسبتاً قابل قبول، از عجیب‌ترین ویژگی‌های این جنگل محسوب می‌شود.

تریلامار کا که از بکرترین مناطق حیات وحش جهان شناخته می‌شود، از سال ۲۰۰۲ تحت حفاظت قرار گرفت تا گونه‌هایی که این منطقه را امن و قابل زیست تشخیص داده‌اند، از این جنگل‌ها کوچ نکنند.

## جنگل سرخ - اکراین

جنگل سرخ که در گذشته نام جنگل کرم درختی را داشت، در ده کیلومتری نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل قرار گرفته است. پس از حادثه چرنوبیل، این جنگل به یکباره به رنگ قهوه‌ای زنجبیلی تغییر رنگ داد و خیلی سریع تمام پوشش گیاهی آن مرد. جنگل سپس با بولدوزر صاف شد و تمامی عناصر آلوده در آن دفن شد. مسئولان اکراینی تلاش کردند با کاشت نهال‌های جدید این جنگل را احیا کنند، اما به دلیل غلظت رادیواکتیوخته خاک این منطقه که حدود ۹۰ درصد است، جنگل به رنگ سرخ درآمد و چهره‌ای متفاوت یافت. گرچه جنگل سرخ همچنان از آلوده‌ترین مناطق جهان به رادیواکتیو است، اما عناصر جنگلی آن توانسته‌اند، خود را با شرایط وفق داده و زندگی جدیدی را آغاز کنند. متأسفانه برخی حیوانات و گیاهان این منطقه جهش یافته شده‌اند و بر این اساس عمری کوتاه دارند، اما در سال‌های گذشته خرس قهوه‌ای، گرگ، چلچله، عقاب، جغد و چند گونه دیگر در جنگل سرخ دیده شده‌اند.

## جنگل باستانی وودا - چین



جنگل باستانی وودا با مساحت ۲۰ کیلومترمربع در شمال چین، در نزدیکی مغولستان قرار دارد. این جنگل قدیمی روی قشر ضخیمی از خاکسترهای آتشفشانی شکل گرفته است. گفته می‌شود این جنگل ۲۹۸ میلیون سال پیش بر اثر فوران آتشفشانی گسترده در زیر خاکستر مدفون شده است و سپس گیاهان دفن شده پس از میلیون‌ها سال توانسته‌اند دوباره از زیر خاکستر سر برآورده و رشد کنند. این جنگل از گونه‌های

گیاهی ارزشمندی برخوردار است که بسیاری از آنها در تاریخ گیاه‌شناسی منقرض شده تصور می‌شد. این جنگل یکی از ارزشمندترین مناطق جهان برای دانشمندان جهت تحقیق و پژوهش است. چگونگی عدم انقراض این گونه‌ها طی میلیون‌ها سال و رشد دوباره‌شان همچنان رازی دوست‌داشتنی برای دانشمندان کنجکاو است.

## تپه‌های شاه‌بلوط - آمریکا



تپه‌های شاه‌بلوط نام بزرگ‌ترین جامعه جنگل‌های شاه‌بلوط در آمریکاست که وسعتی ۶۰ هکتاری دارد. این جنگل در نزدیکی وست سایلیم در ویستکانسین قرار گرفته است. سال ۱۸۰۰ میلادی فردی به نام مارتین هیکس با کاشتن یک جین از درختان شاه‌بلوط در این منطقه سبب پدید آمدن این جنگل بزرگ شد. امروزه تعداد شاه‌بلوط‌ها به بیش از ۲۵۰۰ اصله رسیده است، اما آنچه تپه‌های شاه‌بلوط را به جنگلی عجیب تبدیل کرده، حضور این جامعه بزرگ از درختان زیبای شاه‌بلوط نیست. از اوایل قرن بیستم، بیماری ویرانگر سوختگی شاه‌بلوط وارد تمامی جنگل‌های آمریکای شمالی شد و سبب مرگ تعداد زیادی از این درختان شد. تپه‌های شاه‌بلوط امروز همچون گورستانی از درختان مرده است که همچنان سرپا ایستاده‌اند، اما دیگر حیاتی ندارند.



## جنگل کج و معوج - لهستان

جنگل کج و معوج در خارج از روستای نُوزارنو در غرب لهستان قرار دارد. این جنگل دارای ۴۰۰ اصله درخت کاج است که با ۹۰ درجه خم شدگی در پایه تنه رشد کرده‌اند. علت نامگذاری این جنگل به کج و معوج نیز همین خم‌شدگی است. این جنگل عجیب که دست ساخت بشر است سال ۱۹۳۰، زمانی که این منطقه هنوز بخشی از ایالت پومرنیا بود از سوی آلمانی‌ها ایجاد شده است. هنوز علت ایجاد درختانی با خمی تنه به وسیله آلمانی‌ها مشخص نیست، اما خم شدن تمامی آنها به سمت شمال و بلندتر شدن این درختان بیشتر از استاندارد درخت کاج، باید مفهومی را در خود داشته باشد. علاوه بر ناشناخته بودن هدف، چگونگی کج کردن تنه درختان نیز با ابهام همراه است. فرضیه‌ها بر این است که پس از هفت تا ده سال رشد کاج‌ها، آنها را با استفاده از دستگاه‌هایی ۹۰ درجه انحنای داده‌اند. با وجود تمام این رازها، جنگل کج و معوج یکی از جاذبه‌های گردشگری مهم لهستان شده است.

## جنگل تاریک - آمریکا

جنگل تاریک در کنار شهر متروک دادلی قرار دارد. این شهر که سال ۱۷۴۰ میلادی تاسیس شد، در قرن هجدهم بسیار پررونق بود، اما بتدریج متروک شد. این جنگل به سبب پوشش انبوهش، نور بسیار کمی از خورشید دریافت می‌کند و به همین دلیل نام تاریک به خود گرفته است. پس از متروک شدن شهر دادلی، افسانه‌های محلی بسیاری پیرامون نفرین شده بودن این جنگل شکل گرفت. امروزه جنگل تاریک به محلی مخوف شناخته می‌شود که رویدادهای



عجیب و غریب در آن روی می‌دهد؛ مردم بسیاری در این جنگل بدون هیچ دلیل قابل توضیحی ناپدید شده‌اند و مرگ و میرهای بسیاری در آن روی داده است. برخی نیز معتقدند افرادی که از زندگی دست شسته‌اند، یا به جنگل تاریک گذاشته و خودکشی می‌کنند. متأسفانه آمار مرگ و حوادث ناگوار در این جنگل بسیار بالاست.

## دریای درختان - ژاپن



جنگل آوکیگاها که به دریای درختان معروف شده است، در شمال غربی دامنه کوهستان فوجی در ژاپن قرار دارد. این جنگل از درختان گول‌پیکر و غارهای پنهانی تشکیل شده است. همچنین قسمت‌های عمده‌ای از جنگل دریای درختان از سوی انبوهی از صخره‌ها و یخ‌ها احاطه شده و غیرقابل دسترس است. ژاپنی‌ها معتقدند که فضای این جنگل، مردم را به خودکشی ترغیب می‌کند. سال ۲۰۰۴، ۱۰۸ جسد در این جنگل دیده شد که به جهت مشکلات نبود دسترسی، امکان خارج کردن اجساد آنها وجود نداشت. طبق آمارهای دولتی سال ۲۰۱۰، ۲۴۷ نفر اقدام به خودکشی در این جنگل کردند که تنها ۵۴ نفرشان موفق شده‌اند، زنده بمانند. مسئولان اقدام به نصب توصیه‌ها و شعارهایی با مضامین امید به زندگی به دو زبان انگلیسی و ژاپنی، در جنگل دریای درختان کردند تا بتوانند اندکی از تعداد خودکشی‌ها بکاهند. امروزه این جنگل به یکی از جاذبه‌های گردشگری ماورای طبیعی تبدیل شده است و بسیاری از گردشگران با قدم زدن در راه‌های پرپیچ و خم این جنگل مرموز به تماشای اجساد و اسکلت‌ها در حالت‌های گوناگون می‌پردازند.

## جنگل هوپاباکیو - رومانی



جنگل هوپاباکیو در نزدیکی کلوزناپوکا، در رومانی قرار دارد. این جنگل به مثلث برمودا معروف است. مردم محلی سعی می‌کنند اصلاً وارد این جنگل ترسناک که در آن رویدادهای ماوراءالطبیعه اتفاق می‌افتد، قدم نگذارند. جنگل پس از آن که چوپانی با صدراش گوسفند در آن به یکباره ناپدید شدند، هوپاباکیو نام گرفت. بسیاری از مردم محلی که به جنگل رفته‌اند از آسیب فیزیکی شکایت دارند؛ از جمله تهوع، استفراغ، میگرن، سوختگی، خراشیدگی، اضطراب و دیگر احساس غیرمعمول بدنی. دیدن گوی‌های مرموز چراغ مانند، شنیدن صدای فریادهای زنانه و حتی عکس گرفتن از اشیای معلق چون بشقاب پرنده، از رویدادهای رایج این جنگل ترسناک بوده است. دانشمندان بسیاری از آلمان، فرانسه، ایالات متحده و مجارستان موفق شده‌اند قدم به داخل این جنگل گذاشته و از حوادث رخ داده از آن فیلم بگیرند؛ این تصاویر گویای این واقعیت بوده است که حوادث داخل جنگل هوپاباکیو گویا تماماً افسانه نیستند.



# سفر از روی کتاب‌ها

## گردشگری ادبی در ایران همچنان مشکل دارد



خانه شهریار هم از آن دست خانه‌هایی است که علاقه‌مندان زیادی دارد. شکل و شمایل اتاق او که به صورت دست نخورده باقی است به هر بیننده‌ای حس آرامبخش و خوبی هدیه می‌دهد.



خانه نیما یوشیج در یوش؛ زادگاه و البته محل دفن این شاعر بزرگ ایرانی هم هست. شاید برای گردشگران جالب باشد که در کوچه باغ‌هایی قدم بزنند که روزگاری نیما در آن گام بر می‌داشته و شاید زمزمه می‌کرده است که «کجای این شب تیره بیاویزم قبابی ژنده خود را...»



خانه فرانس کافکا نویسنده مشهور اهل چک که سالانه پذیرای گردشگران بسیار از اقصی نقاط دنیاست که به واسطه کتاب‌ها و داستان‌هایش راهی کشور چک می‌شوند.

### ■ علی محزون

عجیب است که هنوز بسیاری از گونه‌های گردشگری در ایران جدی گرفته نمی‌شود. این بی‌اعتنایی به گردشگری نه صرفاً در سطح مردم و عامه که بسیاری از مسئولان و تصمیم‌گیران این حوزه هم چندان اعتنایی به گونه‌های دیگر گردشگری ندارند.

این ذهنیت از آنجایی قابل تامل است که بدانیم تعریف تمامی عامه مردم از سفر و گردشگری همان است که مسئولان می‌اندیشند و آنها هیچ تلاشی نمی‌کنند تا ذهنیت مسافران را نسبت به گشت و گذار تغییر دهند.

### گردشگری ادبی یکی از گونه‌های پردر

آمد و البته جذاب این صنعت است و از آنجا که محمدعلی نجفی، رئیس سازمان میراث فرهنگی در همان ابتدای روی کار آمدن خود شعار «گردشگری فرهنگی» را ویتترین کار خود کرد، انتظار می‌رفت تا در این حوزه هم فعالیت‌هایی صورت گیرد.

این نوع گردشگری با توجه به شناخت و علاقه مردم به فرهنگ غنی ایران می‌تواند مسافران بسیار زیاد داخلی را هم به سوی سفر سوق دهد، بماند گردشگران خارجی را که ایران را به نام فرهنگش می‌شناسند و تنوع فرهنگی موجود در ایران آنها را راهی این سرزمین می‌کند. هفته پیش رو هفته کتاب و کتابخوانی است و همین موضوع بهانه‌ای شد تا به گردشگری ادبی بپردازیم، اما مشکلات این نوع گردشگری در ایران چیست که هنوز همه ادبا و هنرمندان ایران از پیشترها تا اکنون نتوانسته‌اند بهانه سفر ایرانیان باشند.

### یک سوزن به خود

نمی‌توان تمام مشکلات کم‌کاری در این حوزه را به پای تصمیم‌گیران گذاشت. بدیهی است که ایرانیان درباره فرهنگ پیشینیان خود خیلی تفاخر می‌کنند، اما چندان رغبتی برای بازدید از بازمانده‌های این فرهنگ ندارند.

به عنوان مثال بسیاری از ایتالیایی‌ها و برخی اروپاییان وقتی به ایران سفر می‌کنند، سعی می‌کنند مسیر سفر مارکوپولو را طی کنند، ولی در ایران ما، کسی اصلاً نمی‌داند که ناصر خسرو در مسیر سفر خود از چه مکان‌هایی گذر کرده و سفرنامه گرانبهای خود را چند قرن قبل از مارکوپولو نوشته است، اما اگر جایی صحبت از مقایسه ناصر خسرو و مارکوپولو باشد البته می‌دانیم که ما ایرانیان تمام تلاش خود را درباره ارجحیت ناصر خسرو به این جهانگرد ایتالیایی انجام خواهیم داد در صورتی که شاید هیچ کدامان حتی از مسیر حرکت ناصر خسرو در ایران خبری نداریم.

در شکل کلان‌تر در این حوزه می‌توان به گردشگری فرهنگی پرداخت. امروزه بیشتر تورهای دنیا بخشی به این نام دارند و بسیاری از مسافران را به بهانه بازدید از این نوع گردشگری در فهرست تورهای خود ثبت‌نام می‌کنند. به عنوان مثال هنر سینما تنها محدود به سالن‌های تاریک نمی‌شود، همان‌طور که تورهای بسیاری هستند که براساس فیلم‌های سینمایی به گردشگری‌شان رونق می‌دهند.

تور گردشگری فیلم‌های وودی آلن در اروپا نمونه متاخر این موضوع است. این که آژانس‌های سفری در اروپا براساس فیلم‌های اخیر وودی آلن و تمام مسیرهایی که شخصیت اول فیلم در آنجا ماجراها داشته توری را طراحی کرده‌اند و درآمدهای هنگفتی به جیب زده‌اند.

### منتقدان چه می‌گویند

اسماعیل قادری، استاد دانشگاه معتقد است دولت‌ها در این حوزه کم‌کاری می‌کنند. او به چمدان می‌گوید اکنون گردشگری ادبی در

شنیدن یک نام در صدد عملیاتی کردن و تقلید از آن بر می‌آیند بدون آن که پروسه علمی را طی کرده باشند. این روند به توسعه گردشگری ادبی آسیب می‌رساند.

در حالی که گردشگری ادبی در جهان ظرفیت بسیار مناسبی برای کسب درآمد از صنعت گردشگری دارد، ایران با توجه به در اختیار داشتن بزرگانی چون حافظ، سعدی و فردوسی اکنون در این شاخه از گردشگری یکی از کم‌کارترین کشورهای بوده به صورتی که گردشگری ادبی در کشوری که مهد علم و ادب منطقه بوده هیچ جایگاه و رونقی ندارد. حال آن‌که ترکیه فقط با در اختیار داشتن مزار مولانا و سرمایه‌گذاری درست در گردشگری ادبی سالانه میلیون‌ها دلار درآمد از گردشگرانی که برای دیدن مراسم بزرگداشت وی به ترکیه و شهر قونیه سفر می‌کنند به دست می‌آورد؟

در این زمینه آرش نورآقایی، دبیر اجرایی همایش ملی گردشگری ادبی نیز به چمدان می‌گوید این نوع گردشگری از مستعدترین شاخه‌های گردشگری و البته غنی‌ترین آنهاست که در صورت توجه مسئولان در آمد هنگفتی را در صنعت گردشگری ایران تزریق خواهد کرد.

رئیس هیات مدیره انجمن راهنمایان گردشگری استان تهران ضمن تاکید بر فواید اقتصادی رونق این نوع گردشگری در کشورمان به مزایای دیگری همچون تقویت جریان فرهیختگی در میان اقشار مردم، تقویت و غنی کردن محتوای مواد آموزشی کودکان و بزرگسالان، معرفی دقیق و تصویرسازی درست از مفاخر ایران زمین و پاسداری از ارزش‌های هنری و ادبی کشورمان در صورت توسعه گردشگری ادبی اشاره می‌کند.

از سوی دیگر محمدحسین فراهانی، مدیرکل پیشین میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران ضمن تاکید بر توسعه گردشگری ادبی در کشورمان با توجه به شعرای بسیار معروفی چون سعدی و حافظ می‌گوید: این نوع از گردشگری این پیامد را خواهد داشت که گردشگران با آشنایی با زندگی شعرا و ادبای کشور مقصد می‌توانند آداب و رسوم و فرهنگ منطقه را زنده نگهدارند.

مدیرکل پیشین میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران از گورستان ظهیرالدوله به عنوان مکانی خاطره‌انگیز برای تمام افرادی که به علم و ادب علاقه‌مند هستند نام می‌برد و می‌گوید این مکان می‌تواند تبدیل به یکی از پاتوق‌های بزرگ گردشگری پایتخت شود و علاوه بر علاقه‌مندان داخلی، خارجی‌ها را نیز به خود جلب کند.

### اشکال گردشگری

جاذبه‌های گردشگری ادبی معمولاً در سه شکل متجلی می‌شود:

**اول مکان‌های واقعی:** این مکان‌ها با زندگی یک نویسنده ارتباط واقعی دارند و معمولاً محل تولد، زندگی، آفرینش آثار، مرگ و دفن آنها هستند.

**دوم مکان‌های خیالی:** این مکان‌ها بیانگر یا تجلی فضای رمان، نمایشنامه یا شعر هستند. خیابان‌های دوبلین در اولیس نوشته جیمز جویس، خانه خیالی شرلوک هولمز نوشته سرآرتور کونان دوئل، قلعه‌ها و دژها و مکان‌هایی که در ادبیات کهن ما از آنها نام برده شده از جمله این جاذبه‌ها هستند.

**سوم مکان‌های ساخته شده:** مکان‌هایی هستند که بعمد برای جذب بازدیدکننده خلق شده‌اند. دنیای دیکنز که بتازگی در چاتهام افتتاح شده است و دنیای بیتریکس پاتر در ویندرمر از این نمونه مکان‌ها هستند. ارتباط با یک چهره یا شخصیت ادبی به مقصد امکان می‌دهد تا دامنه وسیعی از جاذبه‌های موضوعی گردشگری را توسعه دهد.

این استاد دانشگاه به تورهایی که دفاتر خدمات مسافرتی تحت عنوان «گردشگری ادبی» برگزار می‌کنند اشاره می‌کند و می‌گوید: تعریف مسیر برای گردشگری ادبی نیازمند انجام تحقیقات علمی، تعریف مفاهیم پایه‌ای و احیای هویت تاریخی است.

این در حالی است که بسیاری از دفاتر مسافرتی و فعالان حوزه گردشگری در بیشتر مواقع فقط با

بسیاری از شهرهای جهان رونق پیدا کرده است. به عنوان مثال در شهر «پراگ»، زادگاه کافکا مسیری برای گردشگری ادبی تعریف شده است و مردم زیادی از میدان‌ها و کافه‌های محل گذر و استراحت این نویسنده دیدن می‌کنند. در شهر «برلین» نیز یادمان‌های موتزارت، بتهوون و آرامگاه‌های مشاهیر، نویسندگان و موزیسین‌ها پراز گردشگر است.

# یوز ایرانی در راه جام جهانی

تیم ملی فوتبال با پیراهنی که تصویر یوز ایرانی دارد به جام جهانی می‌رود

یوز ایرانی انگار دارد عاقبت بخیر می‌شود، می‌تواند دیگر بدون کابوس موشمه و البته شکار در دشت‌های ایران زیست کند. حالا چند هفته‌ای است که صحبت از درج تصویر یوز ایرانی روی پیراهن تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی است. این پیشنهاد که از سوی

دوستداران محیط زیست همچون آرش نورآقایی و مسعود بربر مطرح شد با استقبال معصومه ابتکار ریاست سازمان محیط زیست و البته محمدعلی نجفی ریاست سازمان میراث فرهنگی و گردشگری هم همراه بود، این استقبال خوب باعث شد فدراسیون فوتبال هم وارد

این ماجرا شود. ورود سبب بالاتر به ایران بهترین فرصت بود تا این خواسته به گوش ریاست جهانی فدراسیون فوتبال هم برسد تا آنجا که بالاتر به صورت قانونی مجوز بدهد که سمت راست سینه بازیکنان ۱۰ سانت در ۱۰ سانت لوگوی یوز ایرانی درج شود.

## بگذاریم ایرانیان نماد مهربانی به زمین باشند

■ مسعود بربر / روزنامه نگار محیط زیست

ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه غروب بود و محیط بان میاندشت می‌گفت که یوز بی‌مانند ایرانی دم غروب اغلب روی این تپه روبه‌رو می‌آید. ناگهان جایی دیگر دیدمش که در میان علف‌ها استتار کرده بود در فاصله حدود ۲۰ متری ما. قدم قدم نزدیکش شدم و با هر قدم عکسی گرفتم و بعد از دو یا سه قدم به سویم دوید. فقط می‌دانستم که وقتی به سویم می‌آید نباید بدوم و فرار کنم که با سرعتی که او دارد احماقانه‌ترین کار ممکن است! بی‌هیچ تکانی ایستادم و آمد و در فاصله یک متر و نیمی من دقیقی طولانی مهمان ژست‌های گوناگونم کرد. حالا هر بار که یاد آن لحظات می‌افتم دلم برای کوشکی تنگ می‌شود و هر بار که دوستی در وبلاگ یا شبکه‌های اجتماعی برایم می‌نویسد که چطور نترسیدی یا سالمی، حسرت می‌خورم که چرا حتی امروز نیز حیوانی این اندازه دوست‌داشتنی و به این بی‌آزاری را این‌گونه می‌شناسیم یا درست‌تر، نمی‌شناسیم؟ واقعیت آن است که از زمانی که دوست سختکوشمان آرش نورآقایی پیشنهاد طلایی‌اش برای حضور یوز ایرانی بر پیراهن و خودروی حمل بازیکنان تیم ملی جام جهانی را مطرح کرده است بارها از من که در هر فرصتی کوشیده‌ام پیشنهادش را در برنامه‌های رادیویی و رسانه‌های در دسترسم و شبکه‌های اجتماعی مطرح کنم پرسیده‌اند که این اتفاق اگر رخ بدهد چه فایده‌ای به حال یوز و چه کمکی برای حفظ آن خواهد داشت؟

تا همین چندی پیش در برخی نقاط کشورمان یوز ایرانی را پلنگ دشتی (با لحنی از جنس «از این پلنگ‌های کوچک» مثلا) می‌نامیدند و اگر به درگیری و کشتن یک پلنگ می‌بالیدند صحبت از درگیری و کشتن سه یوز کمتر نمی‌شد. این اتفاق بزرگی است و حاصل زحمت فعالان و خبرنگاران محیط زیست است که مردم عادی هم نتنها می‌دانند که ایران یوز پلنگ دارد که حتی می‌دانند یوز ایرانی در معرض خطر جدی انقراض است و به حمایت همه ما نیاز دارد. نکته همین جاست که مهم‌ترین خطر انقراض یوز ایرانی، ما و مردمانی هستیم که او را نمی‌شناسیم، زیست‌گاهش را نابود کرده‌ایم، در جاده‌ها با ماشین و موتور به جانش افتاده‌ایم و اگر در نزدیکی روستایمان دیده شود از ترس جان گوسفندانمان به جانش می‌افزیم بی‌آنکه بدانیم یوز را نه با ما و نه با دام ما کاری نیست چرا که طعمه یوز قوچ و آهو و جبیر و خرگوشان وحشی است و تاکنون هیچ گزارش مستندی از حمله یوز به دام و جانوران اهلی وجود نداشته است.

با در نظر داشتن اینهاست که جام جهانی فرصت بزرگی است تا چهره و نام یوز ایرانی برای اغلب ایرانیان که علاقه‌شان به فوتبال بر همه روشن است و همین‌طور برای دیگر مردمان جهان بار دیگر تصویری و نامی آشنا شود و چه‌بسا که هر بار به توضیح کوتاهی از جانب گزارشگران فوتبال یا چه بسا جستجوی مفصلی به دست تماشاگران علاقه‌مند درباره این جانور دوست‌داشتنی منجر شود.

و اصلا مگر نه این که سال‌های گذشته عناوینی چون ستاره‌های پارسی Persian Stars و شاهزادگان پارسی Princes of Persia بر خودروی حمل بازیکنان ما در رقابت‌های جهانی نقش بسته است، با توجه به شهرت جهانی یوز پلنگ از نظر سرعت بالای دویدنش و همچنین کاربرد القایی چون عقاب آسیا که پیشتر برای برخی بازیکنان تیم ملی به کار رفته است چرا این بار ایرانیان را با نام یوز پلنگ آسیا Asiatic Cheetah در جهان نشناسند؟ و مگر نه این که در رقابت‌های جهانی پیش از این از نمادهای جانورانی همچون پاندا که در معرض خطرند استفاده شده و نماد همین جام جهانی برزیل نیز آرمادیلو است که جانور در معرض انقراض برزیلی است؟

حالا با وجود آن که برخی مسئولان ایرانی از منع قانونی فیفا برای استفاده از نماد یوز پلنگ برای تیم ملی ایران سخن رانده بودند، سبب بالاتر، رئیس فیفا در دیدارش از تهران نه تنها این موضوع را پذیرفته که از آن استقبال نیز کرده است و چگونه می‌توان فرصتی چنین شگفت‌راز دست داد؟

نه تنها امیدوار که مَصْر باید بود حالا که دکتر نجفی رئیس سازمان میراث فرهنگی و معاون رئیس‌جمهور و دکتر معصومه ابتکار رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست پشتیبان و حامی جدی این تلاش ارزشمند هستند فدراسیون فوتبال نیز هر چه زودتر و بیشتر به همراهان یوز ایرانی بپیوندند و این موضوع نهایی شود.

همین هفته پیش بود که پلنگی (هر چند در پلنگ بودن این مورد هم تردید وجود دارد) ۴۴ دام چوپان لری را درید، اما چوپان که سلاح نیز به همراه داشت به جای آن که به پلنگ شلیک کند با اداره محیط زیست تماس گرفت. نوروز حیدری گفته: «هر سال بزغاله‌ها و بره‌های جدید متولد می‌شوند و دام‌های ما دوباره زیاد می‌شوند، اما اگر پلنگ از بین رفت این کوه دیگر پلنگ ندارد. باز هم می‌گوییم اگر همه دام‌های من را تلف کرده بود هرگز پلنگ را نمی‌کشتیم.» به گمانم همین

بهترین دستمزد و پاداش و خسته نباشید برای فعالان و خبرنگاران حوزه محیط زیست و بویژه علاقه‌مندان یوز ایرانی است و همین هاست که ما را به تاثیرگذاری جدی حضور یوز ایرانی در جام جهانی امیدوار می‌کند و این جدای از آن است که ایرانیان از دیرگاه تاریخ مردمانی بوده‌اند که اگر خود آب کافی برای نوشیدن و سیراب کردن دامشان نداشته‌اند اما صدها درخت کهنسال را در طول هزار سال آب کافی داده‌اند و پاس داشته‌اند و به ما رسانیده‌اند و این مهربی است که به مادر زمین دارند. حالا چرا بار دیگر این مردمان با چهره دیرین مهرآمیزشان به زمین و زیست‌بوم و زیست‌مندان در جهان شناخته نشوند؟

## فوتبال، بستری برای احترام به محیط زیست

■ آرش نورآقایی

امروزه دیگر فوتبال صرفاً یک ورزش یا حتی رقابت جهانی نیست و می‌توان آن را نوعی هنر دانست که بستری برای فعالیت‌های دیگر فراهم می‌کند. از زد و بندهای سیاسی آشنا در فوتبال تا کتاب «فوتبال در خدمت صلح» عادل فردوسی‌پور و از مبارزه با فقر تا نهاد یا پیامی برای حفاظت از محیط زیست امروزه در فوتبال جای گرفته‌اند و فوتبال به بستری برای تحقق آرمان‌ها و ایده‌آل‌های بشر بدل شده است. بستری که خوب است به جای آن که همچون فوتبال امروز ما دچار سیاست‌زدگی محض باشد در راستای این اهداف نیک به کار گرفته شود. یوز ایرانی را می‌توان شاخص محیط زیست ایران دانست چرا که اگر حال یوز ما خوب باشد به آن معناست که حال طبیعت ما خوب است و اکنون حال یوز ما و حال طبیعت ما نیازمند توجه بیشتری است؛ توجهی که فوتبال و بویژه جام جهانی را می‌توان بهترین بستر برای ایجاد آن دانست و با حضور یوز به عنوان شاخص محیط زیست ایران در آوردگاه جام جهانی این توجه را به دست آورد.

همین موضوع دلیل اصلی تلاش مادر این مدت بود و حتی اگر فدراسیون نیز موافقت نمی‌کرد خود طرح موضوع حضور یوز منجر به توجه به آن می‌شد. از این رو بود که دو کارگروه برای داخل و بیرون زمین تشکیل دادیم. کارگروه اول روی موضوع لوگوی یوز روی پیراهن بازیکنان و کارگروه دوم روی نمادهای یوز برای هواداران فعالیت می‌کرد. اقداماتی همچون طراحی تی‌شرت، کلاه، شال، کاور، پازل، مگنت، لیوان و... در دستور کار قرار گرفت و طرح‌هایی همچون برگزاری دوچرخه‌سواری آموزشی درباره یوز، استفاده از بالن‌های با نماد یوز و نصب بنرهای بزرگ در شهر از دیگر برنامه‌های این کارگروه‌ها بود.

گفت‌وگو با هنرمندان نیز در دستور کار قرار گرفت از جمله پیشنهادی هم به سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری شد از این قرار که در هر یک از ۳۱ استان کشور برای ۳۱ کشور دیگر حاضر در جام جهانی فرش نفیسی بافته شود که در آن نقش یوز، نماد فیفا، پرچم ایران و پرچم آن کشور بافته شده باشد و این ۳۱ فرش به آن کشور اهدا شود. همه این فعالیت‌ها باعث توجه جهانی به یوز ایرانی خواهد شد بویژه آن که مردم عادی در شهرها تا حدی این توجه را دارند، اما در روستاها و بخش‌های دیگر است که این توجه حیاتی است و باید آموزش داد که یوز پلنگ با پلنگ و گرگ که درنده‌اند و به دام‌ها حمله می‌کنند تفاوت دارد تا شاهد اتفاق خوشایندی مثل آنچه در روزهای گذشته برای چوپان هشتادکوهی رخ داد باشیم.

این توجه به جذب اسپانسرهای بین‌المللی و افراد خیر برای سرمایه‌گذاری در طرح حفاظت از یوز نیز منجر خواهد شد و از این طریق است که می‌توان فعالیت‌های هنرمندان و کوشندگان این حوزه را نیز حمایت کرد. نباید فراموش کرد که پس از این حرکت بزرگ که برای جلب توجه خواهد بود ما تازه می‌توانیم از جانورشناسان استفاده کنیم تا به روش‌های حفاظتی و تکثیری تازه دست پیدا کرده و اقدامات آموزشی و حفاظتی را آغاز کنیم و گسترش دهیم و تا آن زمان در واقع فقط در فاز صفر پروژه خواهیم بود و صد البته که این تازه آغاز راه است.

گفتنی است هومن جوکار، مدیر پروژه حفاظت از یوز پلنگ آسیایی با اشاره به استفاده از شعار فوتبال و اکولوژی در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴ اظهار کرد: بسیاری از کشورها به دنبال استفاده از یک نماد حیوانی برای تیمشان هستند و تاکنون برزیل به عنوان اولین کشور از نماد آرمادیلو که مانند یوز پلنگ ایرانی در معرض خطر انقراض قرار دارد استفاده کرده است.



## با میکروب‌ها همسفر نشوید

■ هستی یزدان‌پناه

شاید بسیاری طرفدار فلسفه «هر چه پیش آید، خوش آید» باشند. سهل‌گیری در سفر و ریزبین نشدن در جزئیات قطعا به آرامش و لذت بیشتر در طول سفر، کمک شایانی می‌کند، اما نباید در برخی امور سهل‌انگاری کرد. عدم توجه به نکات ساده بهداشتی در طول سفر می‌تواند بیماری‌های مختلف بسیاری را برایتان به ارمغان بیاورد. پس بهتر است برای پرهیز از هر گونه بیماری خصوصا بیماری‌های پوستی و گوارشی به نکات زیر توجه کنید.

### نقاط آلوده در مراکز اقامتی

در طی یک پژوهش علمی، مشخص شد که کثیف‌ترین نقطه در یک هتل یا هر مرکز اقامتی دیگر دکمه سیفون توالت است. این دکمه‌ها معمولا هرگز از سوی خانه‌داران هتل نظافت نمی‌شوند. دستگیره‌های در، کلیدهای برق، کنترل‌های تهویه‌های هوا و تلویزیون از دیگر مواردی است که مورد نظافت قرار نمی‌گیرند. بهتر است پس از ورود به اتاقان ابتدا سرویس

بهداشتی خود را بررسی کنید و از ضدعفونی شدن آن مطمئن شد. معمولا مواد ضدعفونی آبی رنگ هستند که پس از نظافت سرویس‌های بهداشتی براحتمی می‌توان باقی مانده رنگ آنها را تشخیص داد. بهتر است برای سلامت خود و همسفران، در وان حمام نخوابید. یک لذت کوتاه چند ساعته به دچار شدن به بیماری‌های قارچی نمی‌ارزد.

بهتر است ملاقه‌های تخت را بررسی کنید. گاه خانه‌دارها به جهت کمبود وقت یا نارضایتی از کارفرمایان، ملاقه‌ها را تعویض نمی‌کنند و تنها به تکاندن آنها و از بین بردن موهای باقیمانده از مهمان قبلی اکتفا می‌کنند.

با مشاهده این موارد بهتر است برای حفظ سلامت خود از مسئول نظافت اتاق بخواهید که ملاقه‌تان را تعویض کند یا از ملاقه‌های یکبار مصرف که به سادگی در مراکز خرید قابل دسترسی هستند بهره ببرید.

حوله‌های داخل اتاق نیز از جمله وسایلی است که حتما باید از پاکیزگی آنها مطمئن شد. متأسفانه این حوله‌ها سبب

سرایت بسیاری از بیماری‌های پوستی در بین مهمانان مراکز اقامتی می‌شوند.

معمولا در داخل اتاق تعدادی لیوان برای استفاده مهمانان وجود دارد. متأسفانه در ۹۰ درصد موارد این لیوان‌ها با آب و مواد شوینده تمیز نمی‌شوند، بلکه توسط دستمال‌های گردگیری تنها پاک و از لکه مبرا می‌شوند. پس هرگز از این لیوان‌ها استفاده نکنید.

### کافه و رستوران

در کافه‌ها و رستوران‌ها اعم از داخل شهری، بین راهی و حتی کافه‌ها و رستوران‌های هتل‌ها، مواردی وجود دارد که توجه به آنها می‌تواند در جلوگیری از بروز بسیاری از بیماری‌ها کمک کننده باشد. لوازم مصرفی عمومی که در این مراکز وجود دارند در بیشتر موارد تمیز نمی‌شوند و اگر هم نظافت شوند، با دستمال‌هایی که تقریبا همه جا را تمیز می‌کنند، این کار صورت می‌گیرد. نمکدان و قنددان، سس‌های روی میزها، سینی‌های حمل غذا در رستوران‌های سلف سرویس و سایر لوازم مصرفی عمومی معمولا به انواع میکروب و باکتری مبتلا هستند.

# لاهیجان را از نزدیک ببینیم

## سفر به لاهیجان، برای فلور نظری از هر سفر دیگری خوش‌تر است

کنم. از سفرهایم گفتم ولی عاشق طبیعت، گل و گیاه هستم و هر چقدر هم که فرصت انتخاب در سفرهایم داشته باشم، باز هم به سراغ مناطق سبز و البته لاهیجان می‌روم. خوب است بدانید، لاهیجان ۲۶ اثر تاریخی ثبت شده دارد. مسجد اکبریه، چهار پادشاهان، بقعه شیخ زاهد گیلانی، حمام گلشن، بقعه میرشمس‌الدین، بقعه آقا سید علی کیا (در روستای لیالمان)، بقعه امیر شهید، (جالب است بدانید من در خیابان امیر شهید به دنیا آمدم)، خانه صادقی و پل خشتی. دیدن خانه صادقی نیز جذاب است زیرا بافت قدیمی دارد و حتی روی حصارهای آن گل روییده است.



چنین امکاناتی داشتیم، مردم هنگام اقامت در یک شهر، حتی اقامت چند ساعته، دیگر خسته نمی‌شدند. لاهیجان نیز همین‌طور است. من نباید برای مردم بگویم که وقتی به لاهیجان می‌آید کجا را ببینید و کجا غذا بخورید. این کاری است که باید از سوی سازمان گردشگری صورت بگیرد. هر چند الان می‌خواهم از فرصت استفاده کنم و بگویم که در لاهیجان به سراغ رستوران‌های

محلی با کیفیت خوب و غذای مناسب بروید. جایی نروید که خاطره‌ای بد از غذای محلی در ذهنتان ثبت شود. مثلا در لاهیجان روبه‌روی شیطان کوه، محلی به نام استخر وجود دارد که رستوران زیبا، در آنجا بهترین غذاهای شمالی و محلی را دارد. البته چند جای دیگر هم هست که فعلا از آن می‌گذرم ولی یادمان باشد معرفی مکان‌های مناسب و وظیفه سازمان گردشگری است.

هر وقت به سفر می‌روم، همیشه قصد می‌کنم

قسمت‌های مختلف شهر را ببینم. مثلا در کردستان، در یکی از زمان‌های بیکاری

که فرصت استراحت ما

بود، ماشینم گرفتم و از

راننده خواستم کل

شهر و بافت آن

را به من نشان

دهد. من

علاوه بر این

که به دیدن

شهرهای

مختلف

علاقه‌مند هستم،

برای رشته‌ام نیز نیاز دارم

آدم‌های مختلف را ببینم و

حتی با لهجه و نوع نشست و

برخاست آنها و فرهنگ‌هایشان

آشنا شوم. شاید روزی لازم باشد

در نقش این گروه از هموطنانم بازی

در لاهیجان آنقدر زیباست که تا چشم کار می‌کند و تا هر جا پیش بروید تا در نهایت به کوه برسید، نمی‌توانید یک لحظه چشم بر هم بگذارید، زیرا یک سری از زیبایی‌ها را از دست می‌دهید.

آنقدر زیبایی‌های لاهیجان برایم دل‌انگیز است که هر جا می‌روم، دنبال شباهت‌هایی میان آنجا و لاهیجان هستم. مثلا همین الان که زندگی من بین ایران و آلمان می‌گذرد و توانسته‌ام تا اندازه‌ای سختی دوری از وطنم را تحمل کنم، به این دلیل است که در منطقه زندگی من در آلمان طبیعتی شبیه طبیعت لاهیجان وجود دارد و علاوه بر این، هوای آن مرطوب و پوشش گیاهی‌اش متنوع و فراوان است.

یک نکته درباره لاهیجان وجود دارد که باعث ناراحتی من و همشهریانم می‌شود. در دهه ۵۰، چهار سینما در لاهیجان وجود داشت ولی این سینماها کم‌کم از کار افتاد تا این که اخیرا بعد از سال‌ها اولین سینما در این شهر با نام شهر سبز احداث شده است یعنی مردم شهر عروس ایران سال‌ها هیچ سینمایی نداشته‌اند. این مساله چون با هنر من در ارتباط است، برایم همیشه اهمیت داشته است.

لاهیجان، زادگاه من، آنقدر زیباست و دوست‌داشتنی که دلم نمی‌آید به این راحتی‌ها از کنار آن بگذرم...

من کلا اهل سفر هستم ولی به خاطر موقعیت زندگی‌ام بخشی از روزها و ماه‌هایم را در آلمان سپری می‌کنم. با وجود این، بهترین فرصت سفر برای من به واسطه کارهایم ایجاد شده. مثل سفرهای من به اهواز، مسجد سلیمان و قم البته باید مشهد را هم اضافه کنم که به خاطر زیارت امام (رضاع) جزو سفرهای شخصی‌مان بوده است ولی معتقدم در بخش گردشگری ما اشکالاتی وجود دارد. مثلا در آلمان بروشورهایی در اختیار مردم

قرار می‌گیرد که خیابان‌های قدیمی شهر را نشان می‌دهد که چه قدمتی دارند و بافت قدیمی‌شان تا چه اندازه باقی مانده است. حتی رستوران‌های این محله‌های خاص را معرفی می‌کنند تا اگر کسی خواست در حین گردش، از چنین محلی دیدن کند، بداند که چه مکان‌هایی برای غذا خوردن وجود دارد ولی وقتی ما به شهرهای مختلف سفر می‌کنیم، از چنین اطلاعاتی خبری نیست. اگر

من در لاهیجان استان گیلان به دنیا آمده‌ام. البته مدت زمان زیادی را در این شهر زندگی نکردم و خیلی زود به تهران آمدم ولی چون لاهیجان را بسیار دوست داشتم، بسیار به آنجا سفر کرده‌ام و خاطرات زیادی از آن دارم. مادر بزرگم هم در لاهیجان خانه بزرگی داشت که من و خواهرم سه ماه تابستان را با التماس از خانواده خواهر می‌کردیم که تا زمان بازگشایی مدارس به لاهیجان برویم. این سه ماه برای من بسیار لذتبخش بود و یاد آن روزها همچنان با من هست.

لاهیجان به شهر ابریشم معروف است. عده‌ای معتقدند، پرورش کرم ابریشم در دوران پهلوی در این شهر رونق زیادی داشته تا جایی که به این نام مشهور شده است. حتی اسپیکل، محقق آلمانی، در کتاب خود با نام «حملات روس‌ها به کرانه دریای خزر» از لاهیجان با نام شهر ابریشم یاد کرده است. ظاهرا «لاه» به معنی ابریشم است. علاوه بر اینها، لاهیجان بین گیلانی‌ها به عروس ایران معروف است.

لاهیجان مکان‌های مذهبی بسیار زیادی دارد، مثل شیطان کوه که یکی از معروف‌ترین جاهای دیدنی لاهیجان است و معمولا مسافران و گردشگران پیش از هر جایی از این کوه دیدن می‌کنند. من درباره وجه تسمیه شیطان کوه، داستان و نقل‌های زیادی شنیده‌ام.

کاشف السلطنه، اولین کسی بوده که جای را وارد کرده و چون لاهیجان محل مناسبی برای کشت چای بوده، این شهر را برای ایجاد و گسترش چای انتخاب کرده است.

اطراف لاهیجان، در فاصله‌های دو، سه یا پنج کیلومتری، روستاهای زیبایی وجود دارد که دیدن آنها را به همه سفارش می‌کنم، مانند سیاهکل. رفتن به این روستاها یا به طور کلی گشت و گذار

چمدان

نظر و پیشنهاد خود را به نشانی:

تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدير  
روزنامه جام جم یا پست الکترونیکی  
chamedan@jamejamonline.ir

بفرستید یا به شماره  
۳۰۰۱۱۲۲۳ پیامک بنویسید